

معنی واژه های درس هفتم

شوق: اشتیاق، علاقه

جرات: شهامت

شاخسار: شاخه درخت

بامکی: بام کوچک

جو کناری: جویبار

گیتی: جهان، دنیا

سست: ضعیف، بی حال

عجز: ناتوانی

بس: بسیار

نوکاران: تازه کاران، بی تجربه ها

برزن: محله، کوچه

توش: اندوخته، ذخیره، مخفف توشه

❖ حدیث: سخن، داستان

❖ گنج: چیزی با ارزش

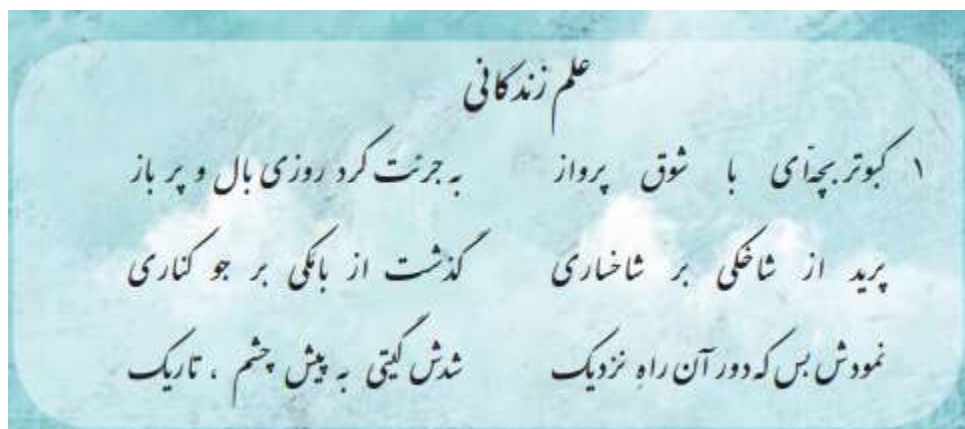
❖ گه: گاه، زمان

❖ دمساز: همراه، سازگار

❖ هجوم: حمله، یورش

❖ فتنه: آشوب، در اینجا بدبختی، عذاب

❖ برومند: بارور، با ثمر، پر بار



معنی شعر علم زندگانی

۱ کبوتر بچه ای با شوق پرواز *** به جرات کرد روزی بال و پر باز

❖ واژه های قافیه: پرواز/باز

روزی جوجه کبوتری با اشتیاق پرواز، با شهامت، بال و پرش را گشود.

۲ پدید از شاخکی بر شاخساری *** گذشت از بامکی بر جو کناری

معنی: از شاخه کوچکی بر شاخه دیگر پدید و از بام کوچکی به کنار جویباری پرواز کرد.

۳ نمودش بس که دور آن راه نزدیک *** شدش گیتی به پیش چشم تاریک

❖ دور و نزدیک: آرایه پارادوکس

❖ واژه های قافیه: شاخساری/کناری

معنی: از بس که آن راه نزدیک به نظرش طولانی آمد، جهان در پیش چشمش تاریک شد. (خسته شد)

۴ ز وحشت سست شد بر جای، ناگاه *** ز رنج خستگی درماند در راه

❖ واژه های قافیه: ناگاه/راه

معنی: ناگهان به خاطر وحشت و ترس، بر جایش بی حال ایستاد و از شدت رنج و خستگی از ادامه حرکت بازماند.

۵ فتاد از پای، کرد از عجز فریاد *** ز شاخی، مادرش آواز در داد

❖ واژه های قافیه: فریاد/داد

❖ فتاد از پای آرایه کنایه (کنایه از ناتوانی)

معنی: درمانده شد و از عجز ناتوانی فریاد کشید، ناگهان مادرش با صدای بلند گفت:

۶ تو را پرواز بس زود است و دشوار *** ز نو کاران که خواهد کار بسیار؟

❖ واژه های قافیه: دشوار/بسیار

معنی: پرواز برای تو بسیار زود و سخت است و کسی از افراد بی تجربه و تازه کار انتظار کارهای بزرگ ندارد.

۷ هنوزت نیست پای برزن و بام *** هنوزت نوبت خواب است و آرام

❖ واژه های قافیه: بام/آرام

معنی: تو توانایی رفتن به کوچه و پریدن بر روی بام را نداری و الان زمان استراحت کردن تو است.

۸ تو را توش هنر می باید اندوخت *** حدیث زندگی می باید آموخت

❖ واژه های قافیه: اندوخت/آموخت

❖ توش هنر: تشبیه (هنر مانند توش است)

معنی: لازم است که تو تجربه اندوزی کنی و راه و رسم زندگی کردن را یاد بگیری.

۹. ببايد هردو پا محکم نهادن *** از آن پس فکر بر پای ايستادن

❖ واژه های قافیه: نهادن/ايستادن

معنی: بايد اول بتوانی هر دو پايه را محکم و استوار بر روی زمین بگذاری و بعد از آن به فکر ايستادن باشی.

۱۰. من اينجا چون نگهبانم تو چو گنج *** تورا آسودگی بايد مرا رنج

❖ واژه های قافیه: گنج/رنج

❖ آرایه تشبیه (چو نگهبان/ چون گنج)

معنی: من در اینجا همانند نگهبان هستم و تو چون گنجی با ارزش می باشی، تو بايد آسوده و راحت باشی و من بايد رنج محافظت تو را تحمل کنم.

۱۱. مرا در دام ها بسيار بستند *** ز بالم کودکان پرها شکستند

معنی: من در دام های بسياری گرفتار شدم و کودکان، پرها و بال هایم را شکستند (رنج و سختی زیادی را تحمل کردم و تجربه اندوختم)

۱۲. گه از دیوار سنگ آمد، گه از در *** گهم سر پنجه خونین شد، گهی سر

❖ قافیه ها : در/سر

معنی: گاهی از بالای دیوار و گاهی از در خانه به من سنگ می زدند و مرا زخمی می کردند.

۱۳. انگشت آسایشم یک لحظه دمساز *** گهی از گربه ترسیدم گه از باز

❖ واژه های قافیه: دمساز/باز

❖ باز: پرنده شکاری

معنی: من لحظه ای در زندگی، در آسایش به سر نبردم. زمانی از گربه و گاهی از باز ترسیدم.

۱۴. هجوم فتنه های آسمانی *** مرا آموخت علم زندگانی

❖ واژه های قافیه: آسمانی/زندگانی

معنی: بلاها و مشکلات روزگار، علم زندگی کردن را به من یاد داد.

۱۵. نگردد شاخک بی بن، برومند *** ز تو سعی عمل باید، ز من پند

❖ واژه های قافیه: برومند/پند

معنی: شاخه کوچکی که بدون ریشه باشد، میوه نمی دهد؛ (رشد نمی کند) بنابراین تو باید سعی و تلاش کنی، من هم باید به تو پند و اندرز بدهم.

▼ پیام شعر علم زندگانی

انسان باید در زندگی با سعی و تلاش بسیار، تجربه به دست بیاورد تا در زندگی موفق شود.

● تاریخ ادبیات:

پروین_اعتصامی

فرزند یوسف اعتصام الملک آشتیانی در تبریز متولد شد. سرودن شعر را از هشت سالگی آغاز کرد.

نخستین شعرهایش را در مجله «بهار» به چاپ رسانید.
تنها اثر او، «دیوان شعری» است که بارها چاپ شده است.
دیوان او شامل: قصاید و قطعات است.

بیشتر قطعات خود را به صورت گفت و گو سرود که در اصطلاح ادبی به آن «مناظره» می گویند.
سرانجام پروین بر اثر بیماری حصبه درگذشت. آرامگاه او در شهر قم قرار دارد. «کنار صحن معصومه (س)»

معنی حکایت دعای مادر

دعای مادر

از بایزید بسطامی - رحمة الله علیه - پرسیدند که
ابتدای کار تو چگونه بود؟ گفت: من ده ساله بودم، شب
از عبادت خوابم نمی‌برد.
شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب سرد
است، نزد من بخُشَب.
مخالفت با خواهش مادر برایم دشوار بود؛ پذیرفتم.
آن شب هیچ خوابم نبرد و از نماز شب بازماندم.
یک دست بر دست مادر نهاده بودم و یک دست زیر سر
مادر داشتم.
آن شب، هزار «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خوانده بودم.
آن دست که زیر سر مادرم بود، خون اندر آن خشک
شده بود. گفتم: «ای تن، رنج از بهر خدای بکش».
چون مادرم چنان دید، دعا کرد و گفت: «یا رب،
تو از وی خشنود باش و درجتش، درجه اولیا گردان».
دعای مادرم در حق من مستجاب شد و مرا بدین
جای رسانید.
بُستان العارفين

معنی: از بایزید بسطامی - که رحمت خدا بر او باد- پرسیدند که تو قبل از این که به این مقام و مرتبه بررسی
چگونه فردی بودی و چگونه به این راه هدایت شدی؟
گفت: من ده سال داشتم و شب‌ها مشغول عبادت بودم.
یک شب مادرم از من درخواست کرد که چون امشب سرد است نزد من بخواب.
سرپیچی از درخواست مادرم برایم سخت بود، بنابراین قبول کردم.
آن شب اصلاً خوابم نبرد و نتوانستم نماز شب به جا آورم.
یک دستم در دست مادر بود و دست دیگرم در زیر سرش بود تا راحت بخوابد.
آن شب هزار بار سوره توحید را خوانده بودم.
آن دستی که زیر سر مادرم بود بی حرکت مانده بود و خون در آن جریان نداشت.
گفتم ای بدن به خاطر خداوند و خشنودی او رنج و سختی امشب را تحمل کن.
وقتی مادرم از خواب برخاست و مرا در آن وضع دید برایم دعا کرد و گفت: خدایا تو هم از فرزندم راضی باش و

معنی لغات و اشعار و عبارات فارسی هفتم

فارسی هفتم

حسین امینیان

مقام و مرتبه اش را در ردیف مرتبه بزرگان و عارفان قرار بده.

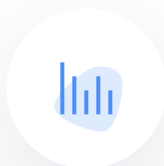
دعای مادرم درباره من پذیرفته شد و مرا به این درجه و جایگاه رساند.

.....



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد